

توی قاب خیس این پنجره ها
عکسی از جمعه ی غمگین میبینم
چه سیاهه به تنش رخت عزا
تو چشاش ابرای سنگین میبینم
داره از ابر سیاه خون میچکه

جمعه

جمعه ها خون جای بارون میچکه
نفسم در نمیاد جمعه ها سر نمیاد
کاش میبستم چشممو این ازم بر نمیاد
داره از ابر سیاه خون میچکه

جمعه

جمعه ها خون جای بارون میچکه

♪♪♪

♪♪♪

عمر جمعه به هزار سال میرسه
جمعه ها غم دیگه بیداد میکنه
آدم از دست خودش خسته میشه
با لبای بسته فریاد میکنه
داره از ابر سیاه خون میچکه

جمعه

جمعه ها خون جای بارون میچکه
جمعه وقت رفتنه موسم دل کندنه
خنجر از پشت میزنه اون که همراه منه
داره از ابر سیاه خون میچکه

جمعه

جمعه ها خون جای بارون میچکه